

باسمه تعالی

عنوان: تجلی اخلاق قرآنی در تزامن عقل و نفس از دیدگاه جوادی آملی

پژوهشگر: مرحمت شاکری

شماره تماس: ۰۹۱۰۴۱۱۰۵۱۶

چکیده

مقاله حاضر با عنوان تجلی اخلاق قرآنی در تزامن عقل و نفس از دیدگاه آیت الله جوادی آملی تدوین گردیده، از آنجایی که آموزه های اخلاقی قرآن همواره مطابق با فطریات انسان بوده و با پیوند عقل و وحی متجلی شده است. استاد نیز با توجه به اصول تربیتی و ضرورت تکلیف، راه تعالی انسان را با آیات قرآن و سیره معصومین (علیهم السلام) تبیین نموده، مقاله حاضر به روش کتابخانه ای به مطالعه آثار استاد پرداخته و در قالب نوشتار فوق ارائه داده است؛ نتیجه حاصله اینکه، در تزامن عقل و نفس با مبارزه می توان به اخلاق فاضل انسانی دست یافته و به تقرب الهی رسید.

کلمات کلیدی: تربیت اخلاقی، معرفت، عقل، نفس، وحی، جوادی آملی.

مقدمه :

یکی از عوامل مهم بهره مندی انسان از سعادت دنیوی و اخروی و رسیدن به مطلوب نهایی و حقیقی خود: یعنی تقرّب به خدا و مقام خلیفه اللّهی، علم اخلاق است. به همین دلیل تربیت اخلاقی انسانها، از جمله اهداف اصلی پیامبران الهی بوده و یکی از موضوعات مهمی است که طی قرن ها مورد توجه جوامع مختلف قرار گرفته است .

انسان موجودی است از موجودات خداوند ولی این موجود خارق العاده از همه نظر با موجودات دیگر فرق دارد. چنانکه اگر از حد خود پایین رود به مقام حیوانی می رسد یا از حیوانات هم کمتر و بی ارزش تر می شود ولی اگر از حد خود بالا رود از ملائکه هم برتر می شود به گفته شاعر:

رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند بنگر تا چه حد است مقام آدمیت

انسانها برای اینکه به چنین مقامی برسند باید رذایل اخلاقی و نفسانی را از خود دور کنند؛ رذایل اخلاقی انسان را وابسته به دنیای حیوانیت می کند و از مقام انسانی و فرشته خوئی دور می کند؛ برعکس کسب فضایل انسان را از فرشته گان هم برتر و بالاتر می کند.

این مسأله مهم و اساسی از دیدگاه فیلسوف معاصر و بزرگ ایران و جهان اسلام، حضرت آیه الله جوادی آملی، که از منظر اسلام بدان پرداخته است مورد بررسی قرار گرفته، آیت ا... جوادی آملی یکی متفکران مسلمان معاصری است که دارای نظرات مهمی در زمینه ی اخلاق و تربیت اخلاقی است. بیان مبانی اخلاقی از منظر ایشان می تواند راه را برای تربیت اخلاقی هموار سازد و موجب معرفی بهتر نظام اخلاقی اسلام و برتری آن، نسبت به نظامهای اخلاقی دیگر شود.ایشان ، تألیفات متعددی در زمینه های تفسیر قرآن، انسان، فطرت، دین ، ارزش ها ، هدایت، رسالت و... دارد که می توان آن ها را برای تبیین مبانی اخلاقی مورد بررسی قرار داد و اصول و روش های اخلاقی مناسبی را استنتاج نمود.

اخلاق و گزاره های اخلاقی در نظر آیت الله جوادی آملی

اخلاق فنی است که انسان با استفاده از آن بفهمد احکام الهی از حقیقتی گرفته شده و به حقیقتی هم ختم می شود. بنابراین اخلاق یک امرحقیقی است نه اعتباری چرا که برابر قرآن کریم خدای سبحان قوای درونی ما را بعنوان عطیه آفرید و باید حداکثر بهره صحیح را ازاین نعمتها برد و آنها را مدیریت کرد.^۱

« اخلاق نه تنها در نجات جامعه و مسائل اجتماعی نقش دارد بلکه در نجات فرد و مطالب فردی نیز سهم مؤثری ایفا میکند. نیاز بشر به اخلاق، مانند نیاز وی به نبوت و وحی است.»^۲ « امروزه نقش حاکمیت معیارهای اخلاقی در پیشگیری از جرائم و اصلاح اجتماعی و حتی حل مشکلات قضایی، حل مسائل خانوادگی، ایجاد آرامش روانی و ... بر کسی پوشیده نیست و هر روز با تأکید بیشتری از سوی خردمندان جوامع بشری رو به رو می شود.»^۳

از مجموع مباحث اخلاقی که استاد مطرح نمودند، می توان ویژگیهای ذیل را برای افعال انسانی که موضوع گزاره های اخلاقی قرار می گیرند، در نظر گرفت:

الف) از روی عقل باشد؛ ب) بر اساس واقعیت تکوینی و فطرت یکسان و مشترک همه انسانها باشد، نه از روی سلیقه و میل شخص؛ ج) موجب سلامت و تکامل روح شود و برای مرگ، برزخ، آخرت و نظایر آنها سودمند باشد؛ د) از روی اختیار و در نتیجه بر اساس تکلیف باشد؛ یعنی علاوه بر شرط بودن عقل، ادراک و شعور؛ مختار و مکلف بودن فاعل نیز شرط است.

به عبارت دیگر افعال اخلاقی در محدوده مکلفهاست، به همین دلیل انسان را در بر می گیرد؛ اما خداوند و فرشتگان را (هر چند دارای عقل، شعور و اراده هستند) شامل نمی شود.^۴

۱. <http://news.esra.ir/-/%D8%AC>

۲. جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن (جلد دهم تفسیر موضوعی قرآن)، مرکز نشر اسراء، چاپ سوّم، قم، ۱۳۷۹، ص ۲۳۷.

۳. دیلمی احمد و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، نشر معارف، ۱۳۸۰، ص ۲۹.

۴. عبدالله جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن (جلد دهم تفسیر موضوعی قرآن)، مرکز نشر اسراء، چاپ سوّم، قم، ۱۳۷۹، صص ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱ و ۴۱.

لزوم بیداری اخلاقی و راه غفلت زدایی از انسان

غفلت در فن اخلاق به عنوان مانع و بیداری به عنوان شرط لازم تهذیب نفس به شمار می رود. غفلت و بیداری در دو مسیر مخالف هم قرار دارد کسی که غافل است نمی تواند باشد و نداند که مسافر است در جای خود می ماند؛ چنانکه مصلح الدین در گلستان، باب دوم؛ حکایت ۱۱ گفته است: «حرم در پیش است و حرامی در پس؛ اگر رفتی بردی و اگر خفتی، مردی»^۱

اگر کسی که عازم سفر است غافل باشد و در این بین نداند که مسافر است یا اینکه خود را به غفلت بزند و فراموش کند که مسافر است و حرامی و راهزن در کمین است مطمئن گرفتار غارت و راهزنان می شود و اگر بیدار و هوشیار باشد و حرکت کند به مقصد خواهد رسید. شیطان مانند راهزنی در کمین است چنانکه در سوره اعراف آیه ۱۶ آمده: «فَمَا أَغْوَيْنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ؛ من در کمینم تا بندگان را از راه راست که همان (آئین و دین) به در می کنم (گمراه می کنم) آگاه باشم که شیطان در کمین ماست».

انسان در این دنیا مانند مسافری هوشیار باید عمل کند که برای راه خود زاد و توشعه بردارد نقشه راه تهیه کند و در بین مسافرت و حرکت ن خوابد و یا اینکه خود را به خواب نزند. چرا که اگر خود را به خواب بزند به گفته بزرگان نمی تواند او را بیدار کرد و باید با چکمه دشمن بیدار شود. باید هوشیار باشیم که ما و اعمال ما ناقص است باید در این دنیا خود بالا بکشیم و در راه کامل کردن خود قدم برداریم نه اینکه مانند کرم به اطراف خود پیله درست کنیم و یک آن به خود بیاییم ببینیم که گرفتار شده ایم و هرچه قدر زیاد دست و پا بزنیم زیاد غرق می شویم این دنیا جایگاه ماندن و آرام گرفتن نیست بلکه محل گذر است.

انسان های آگاه و هوشیار خود را گرفتار دنیا نمی کنند چنانکه در احوال عارفان هست که به دنیا اهمیت نمی دهند یک خانه کوچک با وسایل کم و غذایی که برای زنده مان کسب می کنند این گونه افراد ارزش و مقام خود را فهمیده اند که برای کامل شدن به این دنیا آمده اند نه برای ماندن و جاودانگی. برعکس افرادی هم هستند که در رزق و برق دنیا گرفتار شده اند و هر روز خانه را مجلل و وسایل آن را نو کرده غذاهای لذیذ به مزاقشان خوش می آید و هر روز بهتر از دیروز و از لذتهای دنیا بهره می برند و غافل هستند که یک آن بانگ سفر می آید و در آن حال می بینند که چه قدر در نواقص خود گرفتار شده و در لذتهای زودگذر دنیا خود را گرفتار نموده اند به جای کامل نمودن

^۱. عبدالله، جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق در قرآن، ص ۲۳

نواقص خود به کامل نمودن نواقص دنیای زودگذر خود اقدام کرده اند و دستشان دیگر به جایی بند نمی شود. شیطان که در کمین بوده این گونه افراد را در زرق و برق دنیا گرفتار کرده و به هدف خود رسیده است و اگر این گونه افراد در مقام اعتراض در آیند و نسبت به شیطان و هدف گمراه کردن او اعتراض هم کنند شیطان می گوید من فقط به شما پیشنهاد کردم اگر عاقل و هوشیار بودید پیشنهاد مرا قبول نمی کردید پس خود را کنار می کشد و انسان گرفتار در لذت‌های دنیا بدون زاد و توشه در راه برزخ می ماند.

خدای سبحان ادراک زیبایی و زشتی کلیات مسائل اخلاقی را در نهاد انسان ها به ودیعت نهاده و به آنان عقل و فطرتی عطا کرده تا مصادیق نیک اخلاقی را از زشت آن باز شناسند.^۱

یک راه غفلت زدایی گفتن ذکر است. در بعضی موارد نماز را هم ذکر گفته اند. انسان در همه حال و در همه جا ذکر بگوید. در سوره احزاب آیه ۴۱ آمده «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا؛ دائماً به یاد حق باشد این دوام یاد حق نمی گذارد انسان غفلت پیدا کند. نقل شده حضرت رسول اکرم از کنار باغی می گذشت به باغدار که در حال غرس نهالی بود فرمود آیا حاضر هستی من تو را از غرس و گشت سودمندتری آگاه کنم عرض کرد آری فرمود: درختی که تو می کاری ثمرش موقت است ولی اگر هر بامداد و شامگاه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگویی» خداوند برای تو در بهشت، در برابر هر تسبیح درختان میوه غرس می کند که همواره میوه می دهند.^۲ روایت شده که از هر قطره آب وضویی که برای عبادت گرفته می شود. فرشته ای خلق می شود راه صحیح را به ما نشان می دهد البته اگر کسی در نماز غافل باشد وضویش نیز غافلانه انجام می گیرد بنابراین از این وضوع و آن نماز غافلانه کاری ساخته نمی شود. و در حقیقت نماز او مصداق سوره ماعون آیه ۳ و ۲ که می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» وای بر نمازگزاران کسانی که در نمازشان سهل انگارند یا به نوعی غافل هستند بنابراین از قطره وضوی چنین فردی فرشته ای خلق نمی شود.^۳

ثمره اخلاق قرآنی، خالقیت انسان

نکاتی درباره چگونگی دستیابی انسان به کمالات اخلاقی باید به تمام شئون زندگی انسان توجه گردد:

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، قم، ۱۳۸، ج ۵، ص ۳۸۷.

۲. محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۰۷، بحار ج ۸۳، ص ۲۵۷ به نقل از مراحل اخلاق در قرآن ص ۴۲.

۳. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق در قرآن، ص ۴۴.

علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. از سوی دیگر، خونی که بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از مسلمانان بر زمین ریخت خیلی بیشتر از خونی بود که در زمان خود آن حضرت در جهاد با کفار ریخته شد چون آنان جهاد اصغر کرده بودند و تنها در این فکر بودند که با دشمن بیرونی بجنگند و آنان را از سرزمین خود بیرون کنند ولی جهاد اکبر را فراموش کرده بودند در حالی که مسئله « قاسطین » و « ناکثین » و « مارقین » نیاز به جهاد اکبر داشت. اشخاصی مانند طلحه و زبیر که در جنگهای اسلامی و جهاد اصغر شرکت می کردند ولی هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) به مقام خلافت رسید ، چون دیدند که آن حضرت ، اهل بذل و بخشش بی جا نیست او را رها کردند و نصیحت امام معصوم را در آنان اثر نکرد. امام علی (علیه السلام) پیش از شروع جنگ جمل ابن عباس را برای میانجیگری فرستادند و فرمودند : با طلحه مذاکره نکن ؛ زیرا اگر با او ملاقات کنی ، او را مانند گاو نری می بینی که شاخش را بر گرداگرد گوش خود پیچانده است. او بر هر مرکب سرکش هوا و هوس سوار می شود و می گوید: مرکبی رام است. او سخن کسی را نمی شنود.^۱ از سوی دیگر گاهی انسان بر اثر جهاد اکبر به جایی می رسد که امام معصوم سخن او را به عنوان سند نقل می کند، چنانکه از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که آن حضرت در جمع شاگردانش سخن ابی ذر را نقل کردند^۲ اگر چه ابوذر معصوم نبود و سخن او مانند سخن معصوم حجت نیست، ولی چون معصوم سخن او را نقل می کند معلوم می شود که بر کلام او صحه گذاشته است. اگرچه آن حضرت، نیازی نداشت که از ابوذر نقل کند ولی این کار جنبه تشویقی و الگوسازی داشت؛ یعنی انسان می تواند به جایی برسد که امام معصوم سخن او را برای نصیحت و تعلیم دیگران بازگو کند. اکنون نیز این راه باز است. انسان ممکن است بر اثر پیروزی بر دشمن بیرونی و درونی به جایی برسد که وجود مبارک ولی عصر (ارواحنا فداه) سخن او را برای دیگران نقل کند و به لطف الهی در نظام اسلامی ابوذر شدن دشوار نیست. چون همه درهای بهشت، باز و همه درهای جهنم بسته است در نظام گذشته اگر کسی می خواست به جهنم برود، به آسانی می رفت چون همه راههای گناه به روی همه باز بود اکنون اگر کسی بخواهد به جهنم برود، رسانه های همگانی ، نویسندگان ، گویندگان همه و همه او را راهنمایی و از گناه نهی می کنند و اگر کسی مرتکب خلاف شود، دستگاه قضایی او را به زندان می برد تا مانع جهنم رفتن او شود.^۳ برای اینکه انسان از خطرهای دور باشد باید دوست و دشمن خود را بشناسد برای شناخت دوست و دشمن

^۱. نهج البلاغه ، خطبه ۳۱.

^۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۲ ص ۵۱.

^۳. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق در قرآن، ص ۷۷-۷۸.

راههایی وجود دارد که راه برهان و راه جدل که راه برهان همان تحلیل عقلی است که انسان هدف خود را مشخص می کند و بر اساس آن بفهمد چه چیزی با او هماهنگ و چه چیزی با او ناهماهنگ است اما شناخت جدلی آن است که اگر یکی از دو مقابل را فهمید، مقابل دیگر هم با مقایسه، ادراک شود. مثلاً وقتی از امیرالمومنین (علیه السلام) پرسیدند عقل چیست و عاقل کیست، فرمودند عقل آن است که انسان به وسیله آن چیزی را در جای خود قرار بدهد و عاقل کسی است که هر کاری را به جا انجام دهد. آنگاه پرسیدند جاهل چیست و جاهل کیست؟ فرمودند گفتم کسی که عقل را شناخته باشد جاهل را مقابل آن است می شناسد و اگر عاقل را بشناسد، جاهل را شناخته است.^۱ البته راه اساسی همان راه برهانی است، زیرا چنانکه دشمن ترین دشمنان نفس اماره است. بهترین دوستان نیز عقلی است که ما را به عبادت حق دعوت می کند^۲ با این مقدمه، روشن می شود که هیچ محبوب و محبی در نهان ما برتر از عقل نیست؛ چنانکه هیچ دشمنی بدتر از نفس اماره نیست.

و خداوند در سوره انفال آیه ۶۰ می فرماید تا می توانید از تهاجم دشمنان بیرونی مسلح و آماده شوید؛ دشمنان بیرونی را شناسایی کنید و راه نفوذ و کیفیت و کمیت تهاجم آنان را ارزیابی کنید و خود را در مقابل آن دشمنان مسلح کنید. تا از گزند تهاجم آنها محفوظ بمانید در میدان جهاد اکبر با نفس، آمادگی درنده به انسان جمله کند و انسان طعامی به او بدهد، حداقل تا زمانی که آن حیوان مشغول خوردن طعام است انسان فرصت فرار دارد ولی اگر انسان با دشمن درون برخورد کند کاملاً برعکس است اگر انسان به دشمن درون خود طعام بدهد باید از جان و ایمان خود مایه بگذارد و با دست خود دشمن را تقویت می کند. و خود را ضعیف می کند از این رو هر لحظه ای که انسان بخواهد با دشمن درون مدارا کند در معرض خطر بیشتری قرار می گیرد. ما باید هر لحظه مسلح و آماده باشیم تا مبادا دشمن درون، حمله را آغاز کند که هم در خواب و هم بیداری حمله می کند و هرگز آتش بس نمی پذیرد، آمادگی برای دفاع در مقابل تهاجم این دشمن درونی خیلی دشوارتر از آمادگی برای نجات در مقابل دشمن بیرونی است.^۳ پس انسان عاقل و هوشیار دوست و دشمن خود را می شناسد و باید مراقب باشد پیشنهادی که در نهان ما داده شده از طرف دوست است یا دشمن زیرا انسان با سرمایه تشخیص آفریده شده و کسی نیست که این سرمایه را نداشته باشد روزی که انسان را برای محاسبه می

^۱ نهج البلاغه، حکمت ۲۳۵.

^۲ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۶. «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» احب المحبين اليك

عقلک الذی بین جنبیک»

^۳ عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق در قرآن، ص ۷۹-۸۰.

برند و محاسبه اصلی در این دنیا است انسان باید در این دنیا محاسب اعمال خود باشد و حتی در روایت است که قبل از خوابیدن از صبح تا شب خود را محاسبه کنید تا ببینید در آن روز چقدر از اعمال خود را پذیرا هستید و چه قدر فرصتهای از بین رفته و برای آخرت خود کاری بتوانیم کنیم.

اگر خداوند، فقط فضایل فرشته ها را ذکر می کرد و آن را در وصف اولیا و صالحان نمی گفت، ممکن بود گفته شود که فرشته ، اگر شایسته آن فضایل شده تعجب آور نیست؛ زیرا او خوی درندگی ندارد. مهم این است که همان فضایی که برای فرشته ها ذکر شده برای انبیاء، اولیاء، صدیقین، صلحاء، شهداء نیز یاد شده است؛ یعنی آنان نیز به مرز فرشته ها رسیده اند؛ زیرا انسان چون بالقوه « کون جامع » است آن خصیصه را دارد که اگر میل به طبیعت کند بر اثر سرمایه فراوانی که در اختیار اوست از هر موجودی طبیعی، بدتر می شود و اگر میل به ملکوت کند ، از هر موجود ملکوتی برتر می شود.^۱ درباره درجات انسان نیز چنین است. گاهی حکم حیوانات و گاهی حکم جمادات را ذکر می کند و درباره انسان می فرماید: انسانی که طبیعت زده و فریب دنیا خورده است اگر میل حیوانی کند، از هر حیوان و اگر خوی سختی و سر سختی و جماد را در خود احیاء کند از هر جامدی فرومایه تر است؛ اما مقطع وسط که گیاه و نبات است ذکر نمی کند. درباره عدّه ای که همه تلاش و کوشش آنان بهیমে شدن (سُبع) و درنده شدن است می فرماید: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»^۲ اینها مانند حیوان بلکه بدترند.

اولین مقطع از درجات انسانی ، مرحله جماد ، آنگاه مرحله نبات و سپس مرحله حیوان است. خدوند مرحله جماد و حیوان را ذکر می کند ولی در قرآن از مرحله نبات، سخنی نیست. وقتی اول و آخر یک مسیر متصل و ممتد و مشخص شد، حکم وسط هم معین است. درباره جماد می فرماید سوره بقره آیه ۷۴. بعضی از دلها از سنگ سخت تر است. گاهی از درون سنگ چشمه زلالی و شفافی می جوشد. اما از دلهای سخت هیچ اثر خیری نشئت نمی گیرد.^۳ انسان گاهی از فرشته بالاتر است که در قرآن کریم این سخن به میان نیامده که جبرئیل در شب معراج به رسول خدا گفت شما به سیرتان (سیرتان) ادامه دهید زیرا من توان همراهی شما را ندارم. شما در جایی قدم گذاشتید که احدی قبل از شما نگذاشته و سپس از شما هم نمی گذارد.^۴ رسولی که از همه فرشتگان مقربتر می شود و حتی همه فرشتگان در برابر رسول اکرم خاضعند و گاهی انسانها و مومنان واقعی هم این گونه باشد. حتی در سوره مبارکه

^۱ عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق در قرآن، ص ۱۲۷.

^۲ . اعراف آیه ۱۷۹.

^۳ . عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق در قرآن، ص ۱۲۸.

^۴ . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۴۰۳.

نحل آیه ۳۲ به صراحت ذکر شده که هنگام مرگ فرشتگان به استقبال برخی انسانها می آیند و سلام می کنند و هیچ تلخی و سختی برای آن مومن در هنگام مردن نیست و او آسان جان می دهد و ملائکه سلام می دهند و با سلامت این مرحله به بهشت می برند.

نتیجه گیری

در پایان به این نتیجه می رسیم که خدا این موجود خارق العاده (انسان) را بیهوده و عبس نیافریده و از آفرینش انسان هدفی داشته که برای رشد و تکامل آنها جهانی به این وسعت و نعمتهای فراوان و همعضا و جوارح ظاهری و باطنی هماهنگ در اختیار انسان قرار داده و از همه مهمتر عقل و قلب سالم در اختیار او قرار داده و عقل را که پادشاه جسم انسان است در سر و در بالاترین نقطه بدن تا با فکرهای خوب و درست انسان را به اوج (مقام انسانیت) برساند و قلب را در میانه بدن که جای احساس و شور و شوق است تا با کمک آنها بتواند اعضای دیگر بدن را به مهربانی و شور و شوق دعوت نماید اگر میان این دو عضو تعادل و هماهنگی حفظ شود عقل متعارف؛ (بر احساس و عاطفه غلبه می کند) که در این صورت از فرشتگان بالا می رود و به سر منزل مقصود می رسد ولی خدا نیاورد آن روزی که قلب و تصمیمهای احساسی انسان بر عقل غلبه کند دیگر در آن صورت انسان با احساسهای زود گذر دنیوی جولان داده و با شیطان که در کمین اوست همراه و هم قدم شده و گاهی هم از شیطان جلو زده و خود شیطان می شود و همین لذتهای زود گذر انسان این شاهکار خلقت را از عرش به فرش می کشد و اگر به ان لذتها میدان داده شود پر و بال انسان شکسته می شود و دیگر به عرش راه داده نمی شود و مقام خود را به مقام حیوانیت یا شاید از آن هم پایینتر برساند با خود می گوید

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود به کجا می روم آخر نمایی وطنم

در این موقع صفتیهای مثل تکبر؛ خود خواهی ؛ خود پسندی؛ گمانهای باطل (پندارگرایی) غفلت همه و همه به سراغ انسان می آید در این میان اگر توبه ای صورت بگیرد امکان باز گشت وجود دارد و خدا هم توبه پذیر است و اگر توبه صورت نگیرد گناهان بر روی هم انباشته می شود .

اما اگر بین عقل و قلب جنگ و ستیز بر پا شود (جنگ عقل و عشق) و انسان در آن موقع خود را باید به جهاد اکبر آماده کند که پیروزی واقعی هم در این مرحله به دست می آید اگر در این جهاد عقل پیروز شود انسان مثل فولاد آبدیده محکم و استوار می شود در این مرحله پرو بال انسان شکسته و آسیب دیده کم کم ترمیم یافته و آماد پرواز و اوج گرفتن می شود.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

منبع : فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۴۶، ابوالقاسم زاده، مجید (۱۱/۸/۱۳۸۸)

- ۱- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم نشر اسراء، ۱۳۷۹
- ۲- _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق در قرآن جلد ۱۱، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۷.
- ۳- _____، مبادی اخلاق در قرآن (جلد دهم تفسیر موضوعی قرآن)، مرکز نشر اسراء، چاپ سوّم، قم، ۱۳۷۹، ص ۲۳۷.
- ۴- _____، دین شناسی، دین شناسی، مرکز نشر اسراء، چاپ اوّل، قم، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰.
- ۵- دیلمی احمد و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، نشر معارف، ۱۳۸۰.
- ۶- <https://www.isna.ir>.